سرنوشت وعده «روحانی» در آستانه پایان دومین سال ریاست‌جمهوری

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران همچنان در برزخ

مسعود هوشمندرضوی
عضو هیات‌مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران

آغازماجرا

انجمن صنفی در طی سال‌های فعالیت خود هرگز فعالیت سیاسی انجام نداده و باوجود تمام اتهاماتی که نسبت داده می‌شود، انجمن یک تشکل کاملا صنفی است و هرگز در هیچ انتخابات و رقابت سیاسی‌ای بیانیه صادر و از هیچ شخص یا جریان فکری‌ای حمایت نکرده است، حتی از رییس دولت اصلاحات که انجمن در دوره او تاسیس شد. انجمن به‌هیچ‌عنوان وارد پیکارهای سیاسی نشده و نخواهد شد. حتی در مواقعی که یکی از اعضای هیات‌مدیره به اتهام غیرمطبوعاتی بازداشت شده، انجمن اعلام حمایت نکرده است.

منشأ اتهامات کجاست؟

شاید این اتهامات به‌خاطر جنس فعالیت روزنامه‌نگاران باشد. با توجه به اینکه شغل روزنامه‌نگاری به‌طورکلی مرتبط با سیاست است، وقتی مثلا در اعتراض به بازداشت یک خبرنگار بیانیه‌ای صادر می‌شود، این شائبه به وجود می‌آید که انجمن صنفی فعالیت سیاسی می‌کند، درحالی که حمایت از یک روزنامه‌نگار بازداشت‌شده جزو وظایف ذاتی انجمن صنفی است.

چرایی پلمب

پس از روی‌کارآمدن آقای محمود احمدی‌نژاد، وزارت کار وقت شروع به کارشکنی در قبال انجمن کرد و با بهانه‌جویی تلاش داشت تا انجمن را به‌سمت تعطیلی و انحلال بکشاند. نامه (۲۰)نفر از اعضای انجمن به وزارت کار و امور اجتماعی وقت در آستانه برگزاری مجمع‌عمومی عادی سالانه انجمن صنفی در مردادماه ۱۳۸۵، بهانه لازم را به دست مسوولان وزارت کار داد تا بازی بلاتکلیف‌کردن وضعیت حقوقی انجمن را آغاز کنند. این افراد که جملگی کاندیدای انتخابات پیش‌رو بودند، در این نامه که زمینه‌ساز مشکلات بعدی برای انجمن شد، اعلام کردند که «فردا در رای‌گیری شرکت نکرده و هیات‌مدیره انجمن را به تمکین از «قانون» و تلاش مجدانه برای«اصلاح» اساسنامه فرامی‌خوانیم» (عصر ایران، ۱۳۸۵/۵/۱۴).

در این نامه سرگشاده همچنین آمده بود: «همان‌گونه که مطلع‌اید براساس نامه شماره ۵۷۷۱۸ مورخ ۸۵/۵/۱۱ وزارت کار به انجمن، تشکیل مجمع‌عمومی برای انتخاب اعضای هیات‌مدیره و بازرسان جدید عملا به اصلاح اساسنامه و پیش‌بینی درخصوص نحوه تصمیم‌گیری در دور سوم مجمع موکول شد. از آنجا که هیات‌مدیره محترم حداقل پنج‌سال پیش (در سال۸۰) به استناد نامه شماره ۸۰/۶۶۴ مورخ ۸۰/۸/۶ آقای ارغنده‌پور به معاون وزیر کار وقت با چنین شبهه و موضوعی مواجه شده و علیرغم تشکیل مجمع‌عمومی اقدام به اصلاح اساسنامه نکرده‌اند، امروز باید پاسخگوی اعضاء و مشکل ایجادشده باشند.

متاسفانه برخی اعضاء هیات‌مدیره به‌جای برخورد حقوقی و حل مساله مجددا به برخوردهای سیاسی با موضوع رو آورده‌اند که شایسته آنان نیست. اینجانبان امضاکنندگان زیر و کسانی که به قصد انجام رقابتی «سالم» و البته «قانونی» به‌عنوان نامزدهای این دوره از انتخابات ثبت‌نام کرده‌ایم، اعلام می‌داریم با توجه به نظر قطعی وزارت کار درخصوص غیرقانونی‌بودن انتخابات فردا، از شرکت در رای‌گیری امتناع کرده و هیات‌مدیره محترم را به تمکین از قانون و تلاش مجدانه برای «اصلاح» اساسنامه فرامی‌خوانیم» (همان).

درحالی که دلایل، مدارک و مستندات مستحکم و ثبت شده انجمن‌صنفی‌روزنامه‌نگاران‌ایران، برای اثبات قانونی‌بودن اقدامات آن کفایت می‌کرد اما هیچ‌گاه این دلایل شنیده نشد و مدارک ارایه‌شده موردتوجه قرار نگرفت. وزارت کار نیز از آن پس به همین دلیل و با بهانه‌تراشی‌های دیگری درباره نحوه برگزاری مجامع عمومی، از تایید یا رد مصوبات مجامع سر باز زد و حتی درباره مجامع عمومی که نصاب لازم و قانونی را کسب کرده بودند و در آن اصلاحات اساسنامه نیز به تصویب رسیده بود، سیاست سکوت و بی‌عملی را اتخاذ کرد و مشکلات از آنجا آغاز شد. عمده این بهانه‌جویی‌ها ناموجه و غیرقانونی بودند. کارشکنی‌ها تا آنجا پیش رفت که وزارت کار طی نامه‌ای خطاب به انجمن، ادعا کرد که انجمن در شرایط انحلال قرار دارد. در خلال شکایت انجمن از وزارت کار در دیوان عدالت‌اداری، ساختمان انجمن پلمب شد و گرهی بر گره‌های قبلی افزوده شد.

بلاتکلیفی و سردرگمی؛ نتیجه پلمب انجمن

درحال حاضر روزنامه‌نگاری در ایران متولی ندارد. خیلی از مزایایی که روزنامه‌نگاران باید از آنها برخوردار باشند، تعطیل شده است. برای مثال، انجمن با همکاری شهرداری تهران، سالانه به هزارنفر از روزنامه‌نگاران مجوز طرح ترافیک اعطا می‌کرد. در حالی که اکنون مجوز ورود به طرح ترافیک در دست روزنامه‌ها و به‌قدری محدود است که بعضا مدیران نشریات آن را فقط به نورچشمی‌های خود می‌دهند و روزنامه‌نگاران از این فرصت بی‌بهره هستند. وضعیت دستمزد، حق‌التحریر و بیمه تامین‌اجتماعی روزنامه‌نگاران نیز بسیار اسفبار است. بسیاری از کارفرمایان از بیمه‌کردن روزنامه‌نگاران طفره می‌روند. در دوران فعالیت انجمن، در بسیاری از موارد با مراجعه به تامین‌اجتماعی از بازرس بیمه می‌خواستیم که به محل روزنامه مراجعه و زمینه بیمه‌شدن روزنامه‌نگاران را فراهم کند. درحالی که امروز از روزنامه‌نگار خواسته می‌شود که خودش به ادارات تامین‌اجتماعی برود و با شکایت از کارفرما طلب بیمه کند که این نیز از بسیاری جهات غیرقابل‌انجام است. بحث‌های آموزشی نیز که برای خود پرونده‌ای جداگانه دارند. آموزش‌های ضمن کار یا حتی آموزش قانون کار نیز برای روزنامه‌نگاران امری ضروری است زیرا این شغل دارای کمترین امنیت شغلی است.

استفاده از امکانات علمی و پژوهشی انجمن، مشخصا دانشکده خبرنگاری و کتابخانه انجمن نیز یکی دیگر از مواردی بود که با تعطیلی انجمن از دسترس روزنامه‌نگاران خارج شد و بسیاری امکانات و خدمات دیگر که در فرصت‌های بعدی به آنها اشاره خواهد شد.

اقدامات دولت جدید

انتظار می‌رفت همزمان با اعلام بازپس‌گیری شکایت از سوی وزارت محترم اطلاعات، ساختمان انجمن فک‌پلمب و مجمع‌عمومی برگزار شود. البته انجمن مراتب قدردانی خود را از وزارت اطلاعات دولت آقای روحانی اعلام کرده است اما تاکنون هیچ اتفاق دیگری نیفتاده و با وجود پیگیری‌های مستمر و فشرده، پلمب ساختمان باقی مانده و از آن بدتر امکان برگزاری مجمع‌عمومی نیز هنوز فراهم نشده است. این در حالی است که حسب اطلاع، تاکنون هیچ پرونده‌ای علیه انجمن در هیچ ارگانی تشکیل نشده که بتوان آن را پیگیری کرد. حتی وکیل انجمن سردرگم شده است، زیرا نمی‌داند از کجا باید پیگیری و با کجا باید مکاتبه کند. هیچ‌کس هم پاسخگو نیست و انجمن نمی‌داند که متصدی بازگشایی انجمن چه کسی است و باید به چه ارگان یا شخصی مراجعه کند.

وزارت کار با دستور روحانی چه کرد؟

حداقل انتظار روزنامه‌نگاران از وزیر کار آقای روحانی، این بود که یا تصمیمات مجامع عمومی قبلی را تایید و اقدامات غیرقانونی مدیران قبلی وزارت کار را باطل کند یا امکان برگزاری مجمع‌عمومی جدید را فراهم کند، اما این اتفاق نیفتاد. درحالی که وزارت کار می‌تواند و وظیفه دارد که این خواسته قانونی انجمن را اجابت کند.

مجمع‌عمومی؛ راه‌حل عملی

انجمن چندین‌بار با آقای روحانی مکاتبه و در آخرین نامه از کوتاهی وزارت کار گله‌گذاری کرده است. رییس‌جمهوری نیز دستور داده مساعدت شود اما هنوز مساعدتی صورت نگرفته است. روزنامه‌نگاران از زمان روی‌کارآمدن آقای روحانی مدام منتظر بودند تا به مناسبت‌های مختلفی انجمن بازگشایی شود؛ از سالروز پیروزی انقلاب و روز جهانی آزادی مطبوعات گرفته تا روز جهانی کارگر، روز خبرنگار، سال نو و... اما متاسفانه هیچ اقدامی صورت نگرفته است. آقای حسام‌الدین آشنا هم که گفته بود با یک نام دیگر انجمن را بازگشایی می‌کنیم و عملا اساس این موضوع را که اقدامی از سوی وزارت‌کار صورت بگیرد تا انجمن بازگشایی شود را زیر سوال برده است. وعده‌ها و دستورات رییس‌جمهوری، رفتارهای سایر دستگاه‌ها برزخ عجیبی را برای انجمن به وجود آورده است. البته اخباری از گوشه‌وکنار به گوش می‌رسد مبنی‌بر اینکه اگر اعضای هیات‌مدیره کنونی استعفا دهند، انجمن بازگشایی خواهد شد. در اینجا لازم می‌دانم یادآوری کنم که اکثریت اعضای فعلی هیات‌مدیره در انتخابات قبلی کاندیدا نشدند و اگر انتخابات قبلی تایید شده بود، خودبه‌خود افراد جدیدی جایگزین ما شده بودند. همین الان هم اگر مجمع‌عمومی بخواهد دوباره برگزار شود تا آنجایی که اطلاع دارم، تعدادی از اعضای فعلی تمایلی به اعلام کاندیداتوری نخواهند داشت. یقین دارم برای همه اعضای هیات‌مدیره انجمن، بقای انجمن در اولویت قرار دارد و بنابراین اگر کناره‌گیری مدیران فعلی انجمن موجب بازگشایی آن شود، آنان در این خصوص درنگ نخواهند کرد. اما چه اعضای کنونی هیات‌مدیره بخواهند استعفا دهند و چه نخواهند کاندیدا شوند، در هر دوصورت مجمع‌عمومی باید برگزار شود و درباره ادامه کار انجمن و اعضای هیات‌مدیره جدیدش تصمیم بگیرد.

عکس: احسان قلمچی، شرق

در انجمن چه کردند؟

انجمن صنفی در طول سال‌های فعالیت خود، کارهای ماندگاری را برای روزنامه‌نگاران انجام داده است که به‌طور خلاصه به بعضی از آنها اشاره می‌شود. پیگیری امور بیمه‌ای روزنامه‌نگاران در قالب کمیته بیمه که در نهایت منجر به تصویب قانون بیمه نویسندگان و بیمه‌شدن تعداد قابل‌توجهی از روزنامه‌نگاران شد، از جمله کارهای ماندگار انجمن صنفی است. انجمن در قالب همین کمیته توانست تعداد زیادی از روزنامه‌نگاران شاغل در مطبوعات را تحت‌پوشش بیمه اجباری قرار دهد.

انجمن صنفی کمیته‌های زیادی داشت که هریک از آنها در یک حوزه مشخصی برای روزنامه‌نگاران فعالیت می‌کردند. به‌عنوان‌مثال یکی از این کمیته‌ها، کمیته حل‌اختلاف بود. این کمیته در مواقعی که روزنامه‌نگاری با کارفرمایش دچار مشکل می‌شد، وارد عمل می‌شد و از هر دو طرف دعوی دعوت و اختلافات آنها را حل‌وفصل می‌کرد. انجمن حتی در هیات‌های تشخیص و حل‌اختلاف وزارت کار نماینده داشت و اگر پرونده شکایت یک روزنامه‌نگار در دادگاه‌های کار مطرح می‌شد، نماینده انجمن که در این موضوع تخصص داشت، به دادگاه می‌رفت و از آن روزنامه‌نگار دفاع می‌کرد. کمیته رفاهی انجمن نیز نیازهای رفاهی و تفریحی روزنامه‌نگاران را پیگیری و رسیدگی می‌کرد. برگزاری تورهای مسافرتی تفریحی، پیگیری نیازهای مسکن روزنامه‌نگاران (که منجر به تشکیل تعاونی مسکن و احداث و واگذاری بیش از ۳۰۰واحد مسکونی به روزنامه‌نگاران شد و پیش از آن نیز تعداد۱۱۰ روزنامه‌نگار در پروژه نواب صاحب خانه شدند)، اخذ تخفیف‌ها و تسهیلات و ایجاد صندوق قرض‌الحسنه برای پرداخت تسهیلات بدون بهره به روزنامه‌نگاران از دیگر فعالیت‌های کمیته رفاهی بود. صدهانفر از روزنامه‌نگاران از این صندوق، وام قرض‌الحسنه دریافت کردند.

صدور شناسنامه کار و تعیین درجه مهارت برای روزنامه‌نگاران یکی دیگر از کارهایی بود که انجمن صنفی انجام داد. در این طرح با همکاری وزارت کار و امور اجتماعی برای بیش از ۷۰۰نفر از روزنامه‌نگاران شناسنامه کار صادر شد و دارندگان این شناسنامه‌ها به سه‌دسته نیمه‌ماهر، ماهر و استادکار تقسیم‌بندی شدند. کمیته ورزشی انجمن مسوول برگزاری مسابقات ورزشی در سطح رسانه‌ها و بسترسازی برای استفاده رایگان روزنامه‌نگاران از مجموعه‌های ورزشی بود. مسابقات ورزشی بی‌شماری در سطح مطبوعات برگزار شد که از آن جمله می‌توان به مسابقات والیبال زنان روزنامه‌نگار، شطرنج، بیلیارد، گلف، دوومیدانی و فوتبال اشاره کرد. برگزاری المپیک رسانه‌ها و جام فوتبال رسانه‌ها که با استقبال قابل‌توجهی از سوی روزنامه‌نگاران و حتی خبرنگاران صداوسیما روبه‌رو شد، از کارهای ماندگار این کمیته است.

کمیته حقوقی انجمن وظیفه داشت به روزنامه‌نگاران و انجمن صنفی در زمینه‌های حقوقی کمک کند. وقتی روزنامه‌نگاری با مشکلی حقوقی روبه‌رو می‌شد، این کمیته به روزنامه‌نگاران یا خانواده‌هایشان کمک می‌کرد تا بتوانند از حقوقشان دفاع کنند. انجمن در قالب یک کمیته، خانواده روزنامه‌نگارانی را که به‌خاطر فعالیت مطبوعاتی دچار مشکل شده یا شغل خود را از دست می‌دادند، حمایت مالی می‌کرد.

کمیته آموزشی از دیگرکمیته‌های فعال انجمن صنفی بود که توسعه فعالیت‌های آن به تشکیل دانشکده خبر انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران منجر شد. تا پیش از تعلیق فعالیت‌های دانشکده، در رشته‌هایی مثل خبرنگاری، روابط‌عمومی، مترجمی اخبار انگلیسی، عکاسی خبری و... حدود ۶۰۰ دانشجو از این دانشکده فارغ‌التحصیل شدند. طرح اتوماسیون انجمن هم طرح جالبی بود که اجرا شد. در این طرح اطلاعات روزنامه‌نگاران الکترونیکی و مقرر شد تمامی امور اداری روزنامه‌نگاران و حتی انتخابات انجمن به صورت الکترونیکی انجام شود.

انجمن با برخی روزنامه‌نگاران و انجمن‌های صنفی مطبوعاتی خارج از کشور به‌خصوص کشورهای مسلمان، ارتباطات خوبی داشت؛ همچنین با سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان‌ملل متحد و ارکان وابسته به آن. انجمن از جمله تشکل‌های اصلی بود که در تنظیم و امضای سند حکمرانی مطلوب با همکاری توسعه ملل متحد (UNDP) ایفای نقش کرد.

کمیته بین‌الملل انجمن از فعال‌ترین کمیته‌های انجمن بود. یکی از وظایف آن امکان‌سنجی و برقراری ارتباط با تشکل‌های همکار بین‌المللی بود. ارتباط با «آی‌اف‌جی» از جمله ارتباطاتی بود که این کمیته برقرار کرده بود. همین ارتباط باعث شد بعدها انجمن به نماینده فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران در ایران تبدیل شود. برخی از روزنامه‌نگاران عضو انجمن هم به همین واسطه کارت بین‌المللی روزنامه‌نگاری دریافت کردند.

انجمن صنفی همچنین، متولی برگزاری و داوری هشت‌دوره جشنواره مطبوعات بود. تلاش انجمن برای انعقاد پیمان دسته‌جمعی کار و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و ساماندهی دستمزد و حق‌التحریر در مطبوعات، از مهم‌ترین و محوری‌ترین فعالیت‌های انجمن محسوب می‌شود. این پیمان در صورت انعقاد می‌توانست امنیت شغلی روزنامه‌نگاران را در درازمدت تامین کند.

آن‌سوی تاریخ

تاریخ یک تشکل

روزنامه نگاران ایران در دهه ۱۳۶۰ تشکلی نداشتند و تا میانه دهه ۷۰ نیز تشکلی در این زمینه وجود نداشت. در سالهای پیش از انقلاب، روزنامه نگاران ایران دارای سندیکایی بودند که به سندیکای روزنامه نگاران و نویسندگان مطبوعات شهرت داشت و با دو اعتصاب تاریخی خود در آستانه انقلاب، توانستند به پیروزی انقلاب نیز بسیار کمک کنند. این سندیکا پس از انقلاب، به دلیل این که سندیکاها لغو شده بودند، عملا کارایی خود را از دست داد و روزنامه نگاران تشکیلات خود را تا ۱۵ سال از دست دادند. پس از روی کار آمدن دولت اصلاحات، مدیران مسئول روزنامه های سراسری، تصمیم گرفتند که نهادی برای روزنامه ها راه بیندازند. بدین ترتیب، انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران، در سال۱۳۷۶ تاسیس و با شماره‌یک در وزارت کار و امور اجتماعی وقت ثبت شد. از نظر ماهیت، انجمن صنفی روزنامه‌نگاران یک سندیکای کارگری و تشکل روابط کار محسوب می‌شود. وفق قانون کار، کارگران یک کارگاه می‌توانند یکی از موارد شورای‌اسلامی کار، انجمن صنفی و نماینده کارگر را داشته باشند. در بین این سه، «انجمن صنفی» چون شبیه‌ترین تشکل به سندیکا محسوب می‌شود و ساختار دموکراتیکی دارد که می‌تواند متضمن استقلال آن باشد، از همان ابتدا ترجیح داده شد که در مطبوعات، انجمن صنفی به وجود آید. در طول مدتی که انجمن فعالیت داشت، حدود چهارهزارنفر از روزنامه‌نگاران به عضویت انجمن درآمدند که از این تعداد حدود سه‌هزارعضو فعال بودند، یعنی کارت عضویت آنها به‌طور مستمر تمدید می‌شد و در مجامع عمومی حق رای داشتند. در روابط‌کار قاعده‌ای هست، به‌نام قاعده اکثریت. به این معنی که هر تشکلی که بیشترین تعداد عضو را در هر صنف داشته باشد و فراگیرتر باشد، به‌عنوان تشکل اکثریت و نماینده صنف محسوب می‌شود. در همین چارچوب و با توجه به اینکه انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران تشکل اکثریت محسوب می‌شود، به این معنا که هم فراگیر است، یعنی کل استان‌ها و شهرهای ایران را پوشش می‌دهد و هم بیشترین تعداد روزنامه‌نگاران کشور عضو آن هستند، فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران (آی‌اف‌جی)، انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران را به‌عنوان نماینده روزنامه‌نگاران ایران به رسمیت می‌شناسد و اعضای انجمن صنفی می‌توانند به اعتبار و با معرفی انجمن به عضویت فدراسیون مذکور دربیایند. از طرفی دپارتمانی در سازمان‌ملل‌متحد وجود دارد به نام دپارتمان«ان.جی.او»ها که انجمن صنفی در آنجا نیز به‌عنوان یک تشکل مردم‌نهاد ثبت شده است. مضافا اینکه چون انجمن یک تشکل مستقل کارگری است که فعالیت‌های زیادی در حوزه روابط کار روزنامه‌نگاران انجام داده است، در دوران اصلاحات و برای نخستین‌بار بعد از انقلاب، یک هیات مستقل از سازمان بین‌المللی کار، بعد از سفر به ایران و مذاکره با تعداد زیادی از تشکل‌های کارگری، سه انجمن صنفی را شامل «انجمن صنفی هنرمندان موسیقی»، «کانون انجمن‌های صنفی رانندگان وسایل‌نقلیه سنگین» و «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران» را به‌عنوان «سندیکاهای واقعی کارگری» به‌رسمیت شناخت و در این بین اعلام کرد «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران» تنها سندیکای «مستقل» و «واقعی» کارگری در ایران است که دارای اساسنامه مناسبی است و توصیه کرد اساسنامه انجمن به‌عنوان الگو مورد استفاده و اقتباس سایر تشکل‌ها قرار گیرد. این گزارش در اسناد آن سازمان قابل دسترسی است.

نگاه

مروری بر کنش‌هایی که اتفاق افتاد و نیفتاد

گیتی صفرزاده

اگر علایم حیاتی مثل ضربان‌قلب، گردش‌خون، کارکرد مغز و همچنین تلاش برای کسب نیازهای اولیه زندگی از قبیل خوراک و پوشاک و سرپناه را کنار بگذاریم، احتمالا به واکنش‌های دیگری هم در زندگی‌مان احتیاج داریم که به ما احساس زنده‌بودن بدهد. بعضی‌ها مسوولیت‌پذیری را یک مفهوم اساسی زنده‌بودن می‌دانند، عشق، به خیلی‌ها حس زنده‌بودن می‌بخشد، عده‌ای به‌دنبال ساختن و اضافه‌کردن چیزی به دنیا هستند (از کشف فلان واکسن بگیرید تا خلق یک‌اثر ادبی یا به‌وجود آوردن یک‌فرزند) و حتی بسیاری از کارهای تفریحی ما، برای اثبات حس زنده‌بودن به خودمان است. جامعه‌شناسان روی بخش مهمی از این حس زنده‌بودن، اسم کنش اجتماعی می‌گذارند. از نظر ما کنش اجتماعی کمی اسم قلمبه‌ای است و خوب در دهان نمی‌چرخد (ضمن اینکه باعث می‌شود شما همین ابتدای مطلب یاد مقالات دانشگاهی و تحلیل‌های جدی بیفتید و بی‌خیال خواندن بقیه‌اش شوید!)، به‌خاطرهمین اسمش را می‌گذاریم رگ جنبیدن. بر فرض مثال شما امروز صبح که از خانه‌تان خارج می‌شوید، می‌بینید که همان خیابانی که هرروز با ماشینتان از آن عبور می‌کردید، بدون اطلاع قبلی یکطرفه شده و درجا روی ترمز می‌زنید. احتمالا در همان لحظه مقادیر معتنابهی خون به مغزتان هجوم می‌آورد و کلمات و تصاویر زشت و نامربوطی در ذهنتان شکل می‌گیرد. اینجا درست همان‌جایی است که رگتان جنبیده. نکته مهم این است که با این جنبش رگ چه‌کار می‌کنید؟ اگر آن را تبدیل به درون‌ریزی کنید که بدا به‌حالتان چون همان‌طور که شبانه‌روز در تمامی رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و نشریات رنگارنگ می‌بینید و می‌خوانید، این درون‌ریزی همان است که بعدا تبدیل می‌شود به پیری زودرس، حمله قلبی، آلزایمر، زمینه مساعد برای رشد سلول‌های سرطانی و... همین‌قدر کافی نیست؟ باز هم ادامه بدهم؟ حالت دیگر آن است که این جنباندن رگ را تبدیل کنید به یک عمل و رفتار. همین‌جا باید این نکته را متذکر شوم که منظور از عمل، گره‌کردن مشت و هوارکشیدن نیست (گرچه از نظر روانشناسان تخلیه عصبی خوبی به‌شمار می‌آید و از بروز سکته قلبی شما جلوگیری و در عوض به ضعف اعصاب اطرافیان کمک شایانی می‌کند!) بلکه نشان‌دادن توجه ما به مساله و بی‌تاثیرنبودن رفتارمان در فضای اطرافمان است یا در نهایت اثبات حس زنده‌بودن به خودمان.

همه ما دچار این حالت شده‌ایم که وقتی می‌بینیم رفتاری به‌غلط انجام می‌شود، کاری نادرست روی می‌دهد، پدیده ناخوشایندی در حال ظهور است، بی‌تفاوت یا بی‌عکس‌العمل از کنارش می‌گذریم. ساده‌ترین و دم‌دست‌ترین توجیه ما در این موارد این است که عکس‌العمل ما چه فایده‌ای دارد. البته خود من به‌شخصه تابه‌حال کشف نکرده‌ام که چرا تنها موردی که شهروندان عزیز به‌صورت جدی و خشونت‌آمیز ماجرای جنباندن رگ را عملی می‌کنند، سر ماجرای کرایه‌های تاکسی است که همیشه شاهد صحنه‌های پرشور بیرون‌آوردن حق ازکف‌رفته

از حلقوم رانندگان تاکسی هستیم. اما ماجرای جنبیدن رگ می‌تواند عمیق‌تر و انسانی‌تر از این حرف‌ها باشد. در همین کشور خودمان در سالی که گذشت، اتفاقا نمونه‌هایی از این رگ‌جنباندن‌های انسانی را دیدیم. در تابستانی که گذشت، ماجرای کشتار غزه برای برخی جز یک خبر تلویزیونی یا نهایتا یک‌همدردی قلبی چیزی نبود اما گروهی از مردم (از مردم عادی کوچه و بازار تا هنرمندان) با اهدای خون به کودکان غزه واکنش خودشان را به این ماجرا نشان دادند. خون را با خون پاسخ دادند اما تفاوت این دو خون معنی واقعی یک‌واکنش انسانی را می‌رساند. حتی وقتی در پاییز امسال مردم به فراخوان احمد مسجدجامعی (از اعضای شورای شهر تهران) در مورد حضور در کتابفروشی‌ها و دیدار با نویسندگان واکنش نشان دادند، تهران شاهد صحنه غریب تجمع مردم در مقابل کتابفروشی‌ها شد. کمترین فایده این ماجرا (به‌غیراز فواید مادی‌ای که برای صنعت نشر داشت) این بود که مردم هنوز به ماجرای کتاب اهمیت می‌دهند به‌شرطی که یک‌پیام انسانی دریافت کنند. یا همین یک‌ماه پیش بود که چند گروه جوان در اعتراض به آلودگی هوای تهران و وضعیت بد ترافیک، به خیابان‌های شهر آمدند و با ساختن مجسمه‌های انسانی و خواندن ترانه‌های رپ سعی در جلب‌توجه مردم و مسوولان به ماجرا کردند. حتی در روزهایی که بحث استفاده از روغن پالم در محصولات لبنیات داغ شده بود، شاید واکنش خاموش مردم در نخریدن محصولات لبنی (که البته در درازمدت امکان‌پذیر نبود اما به‌هرحال یک‌هفته نخوردن لبنیات کسی را تابه‌حال نکشته) یکی از عواملی بود که باعث شد کمی بعد شاهد رقابت صاحبان کالا در گذاشتن برچسب «بدون روغن پالم» روی محصولاتشان باشیم. بدبین‌ها حتما می‌گویند ای‌بابا، آنها از ترس کاهش فروششان این‌کار را کردند وگرنه در هنوز روی همان پاشنه می‌چرخد. بگذارید ما با خوشبینی کودکانه‌مان بگوییم هیچ حرکت و رفتاری در جهان هستی بی‌تاثیر نیست. می‌دانم که واردشدن به بحث حضور و عکس‌العمل گسترده مردم در مرگ هنرمند جوان، مرتضی پاشایی دوباره بازار بحث بین موافقان و مخالفان را داغ خواهد کرد اما اجازه دهید حتی شده از این منظر به ماجرا نگاه کنیم که چقدر خوب است هنوز انسان‌هایی هستند که رگ احساسشان از مرگ یک‌هنرمند می‌جنبد و این باعث می‌شود که حتی شده برای یک‌روز از دغدغه‌های روزمره زندگی فردی خود فارغ شوند و برای یکی دیگر، از در خانه‌هایشان بیایند بیرون و حرکتی انجام دهند.

راستش را بگویم دیدن آدم‌هایی که رگشان می‌جنبد، که این جنبش رگ را تبدیل به یک رفتار اجتماعی می‌کنند (بدون اینکه داخل دام فاضلانه تغییرات ساختاری و ارزیابی فواید و مضرات بیفتند) حال خوشی به من می‌دهد. چون احساس می‌کنم اغلب ما جنبش‌رگمان کم شده. به قول جوانان امروزی برای خیلی از کارها، حسش نیست. حسی که نیست، حس زنده‌بودن است. این حس را به خودمان برگردانیم.